

سوسیالیزم و ضرورت دخالت در جنبش کارگری

تعدد گرایش‌ها در جنبش اجتماعی طبقه ی کارگر از این واقعیت برمی خیزد که سطح آگاهی طبقاتی، همگون نیست. در اثر عوامل متعدد هم چون اختناق، سرکوب و نفوذ تبلیغات و هیاهوی سرمایه عالی ترین بخش آن یعنی گرایش‌ها سوسیالیزم خواه در اقلیت قرار گرفته اند و اکثریت در توهم شکست ناپذیری چهارچوب های فعلی ناخودآگاه به رفورمیسم و در نتیجه افول تدریجی نیروی طبقاتی خود دامن می زنند!

این وضعیت یک دو قطبی گریزناپذیر است که پیشروان سوسیالیست بایست برای جبران بارسنگین آن و ایجاد تعادلی پایه ای میان نیروهای موجود، مناسب‌ترین راهکار را برگزینند تا در مقابل تعدی روزافزون سرمایه و روبناهایش به حقوق انسانی طبقه ی خویش قادر به بسیج توده ها برای کسب حداقل ها و در نهایت مطالبات حداکثر مد نظر خود باشند.

در غیر این صورت از یکسو با انزوای خویش از کل جنبش کارگری در فرقه گرایی فرسوده می گردند و از سوی دیگر جمعیت کثیری از کارگران را در مصافی نابرابر با سرمایه و حيله ها و ترفندهایش تنها می گذارند.

بنابر این انتقال آگاهی برای سوسیالیست ها رسالت بزرگی است که برای انجام آن می توان دو شیوه را برگزید:

یا تنها در کسوت مبلغین سوسیالیزم خارج از گود ایستاد و بیهوده سعی کرد که به کارگران بدگمان تنوری انقلابی را به طرز آکادمیک انتقال داد. به کارگرانی که در اثر اختناق حاکم حداقل در عمل منفعلند و با جادوی تبلیغات نسبت به نظام سرمایه و یا حداقل بخش هایی از آن متوهم! کارگرانی که از زندگی انسانی نصیبی نبرده اند و تقریباً با پیچ و مهره های دستگاهی که پشت آن ایستاده اند تفاوتی نمی کنند. همان گونه که دستگاه فرسوده را تعمیر می کنند، کارگران خسته را با ناچیزترین امکانات بازتولید. کارگرانی که زمان برایشان تنها در سودآفرینی برای سرمایه می گذرد و بنابراین آموزش و ارتقای سطح آگاهی آنان به شیوه ی بالا امکان ناپذیر!

و یا هم دوش کارگران در کف کارخانه ها مبارزه کرد و تنوری را در عمل به آنان آموخت. این کاراترین راهکار ممکن است که سوسیالیست ها را از کل جنبش ایزوله نمی سازد و همزمان به آنان امکان دخالتگری را می دهد. گرایش سوسیالیست باید بدور از تخیلگرایی این واقعیت را درک کند که در شرایط فعلی وزنه ی سنگین جنبش طبقه ی کارگر از آگاهی نازل تری برخوردار است و بنا بر خاصیت قرار گرفتن در موضع اکثریت نیاز به برخوردار گشتن از مساعدت اقلیت را احساس نمی کند. باید بدانند در حالی که او با آگاهی والای خود این حقیقت را می داند که در شرایط یک کشور توسعه نیافته هم چون ایران، کسب کم ترین مطالبات اقتصادی به ناچار در گرو دخالت سیاسی و براندازی نظام سرمایه داری است، این بخش با توجه به سطح آگاهی خویش عمده‌تاً در برابر واقعیات روزمره زندگی عکس العمل نشان می دهد و مسائل اقتصادی هم چون مبارزه برای افزایش دستمزد یا کسب امنیت شغلی برایشان ملموس تر از لغو مالکیت خصوصی یا کارمزدی است.

یک سوسیالیست نباید با عدم دخالت و نفی حرکت های سردرگم رفورمیستی این کارگران، ناآگاهانه به رشد رفورمیزم و سازش طبقاتی مطلوب سرمایه‌داری خدمت کند. در مقطعی که این اکثریت به اتکای نیروی خویش به مبارزات بی شکل دست می‌زند، او وظیفه دارد در عین همراهی با آنان در مبارزه بر سر حداقل‌ها، ضرورت سازمانیابی و تشکیل تشکلات مستقل کارگری را متذکرشان شود. مطمئناً پس از طی یک سیکل اوج و فرود، این نیروی عظیم بی‌فورم متقاعد می‌شود که تنها با تشکل‌یابی می‌تواند در مقابل سرکوب سرمایه‌ایستادگی کند.

حال تشکل‌اش را می‌طلبد، تشکلی که برای مبارزه در جهت خواسته‌های اقتصادی برجسته‌گشته است و بنابر همین خاصیت این استعداد را دارد که با نفوذ سرمایه به سندیکالیزم و در نهایت سازش طبقاتی و چانه‌زنی بر سر یک قران دو ریال معروف خاتمه بیابد. اما گرایش سوسیالیست برای جلوگیری از چنین انحطاطی باید با شرکت فعال در این تشکل‌های کارگری، گرایش‌ات رفورمیزم و عاقبت سندیکاگرایی را افشاء کند. ناکارآمدی سندیکالیزم و عملی نگشتن وعده‌های آن به این افشاگری و ارتقای سطح آگاهی کارگران کمک شایانی می‌کند.

کارگران در عمل و در طی یک روند مبارزاتی این واقعیت را درک می‌کنند که برای پیروزی در مقابل سرمایه و دستیابی به خواسته‌های اقتصادی خود ناچارند بی‌توجه به تابلوهای عبور ممنوع سندیکالیزم در سیاست دخالت کنند و قدرت طبقاتی خود را با توقف تولید و در نتیجه اختلال در سیستم سوددهی به سرمایه‌داران نشان دهند.

به موازات این رشد عام طبقه ی کارگر، گرایش سوسیالیستی آن بایست تشکل مختص خویش را در خفا بسازد، تشکلی که از نظر ما بستر حزب طبقه ی کارگر است و برخوردار از عالی ترین سطح آگاهی. نیروهای این تشکل، فعالانی هستند که با دخالتگری مستقیم در جنبش و اثبات نظریات خود در عمل به کارگران، موفق به کسب اعتماد آنان گشته اند.

اگرچه تشکل مستقل کارگری عام با توجه به مختصات خود از انحرافات مصون نمی ماند اما با دخالت آگاهانه ی گرایش سوسیالیستی می توان به برآیند حرکت آن سمت و سوی ضدسرمایه داری بخشید و مطالبات اقتصادی را در مبارزه ی سیاسی با سرمایه داری به دست آورد. در نهایت به واسطه ی این دخالتگری مستمر است که اکثریت به این آگاهی سرنوشت ساز دست می یابند که برای تثبیت امتیازاتی که در اثر مبارزه کسب کرده اند، ناچار به برقراری سوسیالیزم و ریشه کن کردن مناسبات استثماراری نظام مالکیت خصوصی اند.

رُزا جوان

۸۴/۱/۲۶

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری